

نقش اخلاق در ثبات جامعه در اندیشه و عمل امام خمینی (ره)

کبری کلاری^۱

نرگس امامی کوشا^۲

چکیده

یکی از ابزارهای لازم برای ثبات جامعه ارزش‌های اخلاقی است که به نظر می‌رسد در حال حاضر به‌طور جدی مورد توجه قرار نمی‌گیرد. مقاله حاضر با تأمل در آثار و بیانات حضرت امام (ره) به بررسی نقش اخلاق در ثبات جامعه می‌پردازد. نگارنده در این مقاله با سه سؤال اصلی روبرو است؟ ۱- آیا به طور کلی اخلاق در ثبات جامعه نقش دارد؟ ۲- آیا از نظر حضرت امام (ره) اخلاق در ثبات شخصیت افراد جامعه نقش دارد؟ ۳- حضرت امام (ره) چه رهنمودهایی برای تربیت انسان‌های مهذب در جامعه اسلامی داده‌اند؟ نتایج به دست آمده حکایت از این دارند که اخلاق انسان‌هایی را می‌سازد که هم در عرصه‌های مختلف دارای اعتدال‌اند و هم جامعه را با رفتار و گفتارشان به سمت پرهیز از هرگونه افراط و تفریط هدایت می‌کنند. حضرت امام (ره) تأکید داشتند که رعایت اخلاق و تهذیب نفس باعث می‌شود که انسان‌ها به ثبات شخصیتی و اجتماعی برسند. از نظر ایشان انسان موجودی است که با تعلیم و تربیت رشد می‌کند و تحصیل علم توأم با تهذیب نفس و اخلاق، انسان را به مقام انسانیت می‌رساند. انسان ساخته شده جامعه را می‌سازد و به ثبات می‌رساند.

حضرت امام (ره) برای گسترش اخلاق و ثبات جامعه رهنمودهایی را به چهار نهاد تربیتی متذکر شده‌اند که عبارت‌اند از: ۱- متخلق شدن حاکمان به اخلاق الهی. ۲- مهذب شدن پدران و مادران از هوا و هوس و احساس مسئولیت آن‌ها برای تربیت فرزندان ۳- رعایت اخلاق الهی و انسانی توسط مدارس، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه. ۴- عدم پخش برنامه‌های فاسد کننده اخلاق جامعه توسط صدا و سیما.

حضرت امام (ره) به شانزده روش تربیتی چون امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت، تلقین و تکرار، دعا، محبت و رحمت، تقویت ایمان قلبی برای ترک گناه، اصلاح خود قبل از اصلاح دیگران، تعریف از خود جهت هدایت دیگران، تعلیم از دشمن جهت کشف عیوب خود، توصیه و سفارش، تفکر، مشارطه، مراقبه و محاسبه، ضبط خیال و روش الگویی «معرفی امامان و رفتار آن‌ها به عنوان الگو و اسوه» اشاره نموده‌اند.

واژگان کلیدی: اخلاق، ثبات جامعه، خمینی، روح الله، اندیشه و عمل

مقدمه

از نظر بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی و الهی، اخلاق نقش به‌سزایی در ثبات و عدم انحراف و نابسامانی جامعه دارد. آن‌ها می‌گویند: استمرار و بقای هر جامعه‌ای مستلزم آن است که مجموعه باورها،

۱ - کارشناس پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت، دفتر گسترش اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) در برنامه‌های

آموزش و پرورش؛ emam_ap@yahoo.com

۲ - کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه غیرانتفاعی قم

ارزش‌ها، رفتارها، گرایش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌های آن به نسل جدید منتقل شود (علاقه‌بند، ۱۳۸۴، ص ۳۵). با توجه به این رویکرد، یکی از ابزارهای لازم برای ثبات جامعه، ارزش‌های اخلاقی است که به نظر می‌رسد در حال حاضر به‌طور جدی مورد توجه قرار نمی‌گیرد و خلأ آن به صورت محسوسی در نهادهای مختلف اجتماع به چشم می‌آید. در حالی که جامعه ما بر اساس مبانی حیات‌بخش اسلام و به دست معمار کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی(ره) بنا شده است.

امام(ره) انسان برجسته‌ای بود که تمام زمینه‌های وجودی‌اش را رشد داده بود؛ از جمله در زمینه اخلاق ایشان سال‌ها در محضر اساتید مبرز اخلاق و عرفان زانوی ادب زده و اخلاق اسلامی را یاد گرفته و در عمل تحقق بخشیده بود و به مثابه یک عالم عامل، یافته‌های خود را در طبق اخلاص به پویندگان کمال و سعادت منتقل می‌کرد؛ چه در درس‌هایی که به شاگردان خود در قالب گفتار و رفتار می‌داد و چه در کتاب‌هایی که به قلم ایشان به چاپ رسیده مثل کتاب شرح چهل حدیث، جهاد اکبر و... . بنابراین بررسی اندیشه و عمل حضرت امام(ره) که بنیانگذار نهضت فکری و اجتماعی و سیاسی در جامعه ما هستند می‌تواند نتایج مطلوبی را به ما بدهد. تحقیق حاضر به بررسی نقش اخلاق در ثبات جامعه با توجه به اندیشه و عمل حضرت امام(ره) می‌پردازد.

مفهوم اخلاق

مطالعه در احوال ملل و اقوام مختلف در طول تاریخ و همچنین مطالعه در احوال مردمان یک عصر نشان می‌دهد که در وجدان و عقل و دریافت آدمی احکامی وجود دارد که کلی و مطلق و دائم است. یعنی همگان به‌طور یکسان بعضی چیزها را خوب و با ارزش و مطلوب می‌دانند و بعضی چیزها را بد و ضد ارزش و نامطلوب می‌شمارند؛ مثلاً این‌که باید راستگو و درستکار بود، باید از نیازمندان و مستمندان دستگیری کرد، باید به پدر و مادر نیکی و احترام نمود، باید سزای نیکی را به نیکی داد، باید عادل و دوستدار عدالت بود، باید شجاع و سخی و ایثارگر بود... و نباید صفات ضد این‌ها را داشت. این‌ها همه اموری است که همگان بر آن متفق‌اند و همین دلیل است بر این‌که احکامی در وجدان بشر وجود دارد که فردی و نسبتی و موقت نیست بلکه کلی و مطلق و دائمی است و به آن اخلاق گویند (مجتویی، ۱۳۸۴، مقدمه مترجم، صفحه چهارم). اخلاق در لغت جمع خُلُق و به معنی خوی می‌باشد (عمید، ۱۳۶۳، ص ۱۳۱) و شامل دو بخش است: اخلاق نظری و اخلاق عملی.

مفهوم جامعه

جامعه در لغت مجموعه‌ای از مردم هستند که با هم وجه اشتراک دارند. به مردم یک شهر یا کشور نیز جامعه گویند (همان، ۴۹). در این تحقیق، از آن‌جا که فرمایش‌های حضرت امام(ره) خطاب به مردم ایران است، منظور از جامعه، مردم کشور ایران است. جامعه در این مفهوم دارای نهادهایی است که متولی امر تربیت انسان‌ها هستند؛ مثل نهاد خانواده، مدرسه، دانشگاه، حوزه‌های علمیه، صدا و سیما و... . حضرت امام(ره)

یکایک این نهادهای تأثیرگذار در امر تربیت را مورد خطاب قرار داده و به آن‌ها سفارش‌هایی نموده که در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مفهوم ثبات

ثبات در لغت به معنی برقرار بودن، دوام یافتن و پایدار بودن آمده (همان، ۴۸۲). بنابراین ثبات جامعه به معنی حرکت جامعه در مسیری است که باعث دوام و پایداری آن شود.

نقش اخلاق در ثبات جامعه

تمام ادیان بزرگ جهان، افزون بر تکالیف مقدس ناظر به ارتباط فرد با خدا (عبادت خاص)، ضرورت‌هایی اخلاقی را هم در عرصه مناسبات پیروان خود با یکدیگر مشخص ساخته‌اند (استارک^۱ و بن‌بریج^۲، ۱۹۹۶). نهادهای اجتماعی و دینی با شکل دادن رفتارهای جمعی و مراسم مذهبی می‌توانند نقش یک حمایت‌کننده فعالی را ایفا کنند و از بسیاری از ناسازگاری‌های رفتاری جلوگیری کنند (آزاد، ۱۳۸۷).

پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهند که مذهب نه تنها حمایت اجتماعی برای افراد فراهم می‌کند، بلکه به منزله یک عامل مهار اجتماعی نیز مطرح است. گورساج اظهار می‌دارد کسانی که مذهبی‌ترند، از آن جهت که مذهب چهارچوبی برای حمایت اجتماعی از آن‌ها فراهم می‌کند، کمتر دچار اعتیاد به مواد می‌شوند. (جان بزرگی، ۱۳۸۷)

در برخی تحقیقات تجربی، رابطه دینداری و شاخصه‌های دینداری مورد توجه قرار گرفته است. مثلاً در مطالعه کلاسیکی که اریکسون^۳ و جنسن^۴ (۱۹۷۹) بر روی ۳۲۶۸ دانش‌آموز دبیرستانی انجام دادند، همبستگی منفی ضعیفی میان ۱۸ نوع جرم و انحراف و چهار شاخص دینداری دریافتند... (بیت هالامی و آرگیل، ۱۹۹۷). پاره‌ای دیگر از محققان نیز به بررسی رابطه این دو متغیر پرداخته‌اند که می‌توان به پژوهش گارتز^۵، لارسون^۶ و آلن^۷ اشاره کرد. به اعتقاد آن‌ها، شرکت در مراسم مذهبی و انجام تکالیف دینی می‌تواند عامل بازدارنده از بزهکاری باشد. همچنین داشتن نگرش مذهبی رابطه‌ای منفی با بزهکاری دارد. هفت مقاله دیگر که توسط گارتز و همکاران مورد بررسی قرار گرفت، بر همبستگی منفی بین مذهبی بودن و بزهکاری تأکید کرده‌اند (جلیلونند، ۱۳۷۵).

گریفت^۸، انگلیش^۹ و مایفیلد^۹ (۱۹۸۰) نشان دادند که مشارکت در مراسم مذهبی و عبادات نتایجی همانند درمانگری نسبی در پی دارد. تخلیه هیجانی و شرکت در مراسم جمعی مذهبی باعث کاهش تنش و رهایی از پریشانی‌های عاطفی می‌گردد (گیلکس^۲، ۱۹۸۰).

- 1 - Stark, R.
- 2- Bainbridge, S.
- 3- Erikson. J. A.
- 4- Jensen, G. F.
- 5- Gartz, R. L.
- 6- Larson, B.
- 7 - Allen, G. D.
- 8- Griffith, E. E. H.
- 9-English. T.

اگر طبق آموزه‌های دینی مان بپذیریم که «کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام» (الرحمن، آیه ۲۷)، در این صورت می‌فهمیم که تنها راه پایداری و دوام جامعه، داشتن رنگ الهی است. رنگ الهی داشتن یعنی زندگی کردن به نحوی که خدا می‌پسندد؛ به عبارت دیگر، یعنی بایدها و نبایدهای الهی را جامه عمل پوشاندن. همان بایدها و نبایدهایی که در علوم اسلامی به آن اخلاق می‌گوییم. البته بخشی از بایدها و نبایدها احکام نامیده می‌شود که التزام به آن‌ها مقدمه اخلاق عملی است.

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که مذهب و خصوصاً اخلاق مذهبی در کاهش انحرافات و ایجاد آرامش در جامعه بسیار مؤثر و تعیین‌کننده است (مجموعه مقالات همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، ص ۲۴۴-۲۴۵)، به طوری که نمی‌توان نقش آن را نادیده گرفت؛ بلکه به نظر می‌رسد برای رسیدن به ثبات اجتماعی لازم است که اخلاق مذهبی که بر اساس ارزش‌های الهی و انسانی شکل گرفته در اولویت قرار گیرد.

نقش انسان‌های مهذب در ثبات جامعه

باید دانست که انسان‌های مهذب به اخلاق الهی، انسان‌های منفعلی نیستند که تحت تأثیر شرایط اجتماعی قرار گرفته و نسبت به مسائل پیرامون خود بی‌اعتنا باشند. بلکه آن‌ها انسان‌های فعال و مؤثری در جامعه هستند و سعی می‌کنند انسان‌ها را به سوی عدالت و تعالی رهبری کنند تا جامعه به ثبات و کمال حقیقی برسد. بنابراین می‌توان گفت هم فرهنگ‌ها و هم شرایط، خودشان آفریده انسان‌ها هستند و آدم‌ها پیوسته در صدد شکل بخشیدن و تعدیل فرهنگ و شرایط به شیوه‌های گوناگون می‌باشند (لیف، ۱۹۷۲).

اگر انسان‌های جامعه‌ای مهذب نباشند، آن جامعه سیر قهقرایی خواهد داشت؛ از جمله آثار وجود نداشتن اخلاق در افراد یک جامعه، فدا کردن منافع اجتماعی برای رسیدن به منافع شخصی است، به نحوی که سرمایه‌های جامعه توسط استعمارگران به تاراج رفته و جامعه در یوغ بردگی و وابستگی، خود را ناتوان دیده و خودباوری خود را از دست بدهد؛ همان‌طور که حضرت امام (ره) در بیانات عمیق و دقیق خود به این مطلب اشاره کرده و می‌فرماید:

«همه این‌هایی که این بساط را، این فضاها را، در ایران درست کردند و این گرفتاری‌ها را برای ملت ما درست کردند. برای این بود که ایمان در کار نبود. اگر ایمان در کار بود ممکن نبود که یک آدم یک قراردادهایی درست کند که حالا دولت ما گرفتارش هستند که ما هر طرف قضیه را بگیریم ضرر دارد!... اگر این‌ها ایمان داشتند، همه چیز یک مملکت را به باد نمی‌دادند، برای این که چند تا قصر در خارج داشته باشند، چند تا بانک را در خارج پر بکنند. ایمان نبوده است که این کارها را کردند... باید شما و ما دست به هم بدهیم برای قشر آتیه که این‌ها مقدرات مملکت دستشان است، ایمان ایجاد کنیم... البته مؤمن تنها هم مؤثر خیلی نیست. خوب قشرهای دیگر هم مؤمن هستند، اما عالم وقتی مؤمن شد، عالم وقتی متقی شد، آن است که منشأ خیرات و برکات است» (صحیفه امام، ج ۷، صص ۴۷۲ و ۴۷۳).

1 - Mayfield, V.

2- Gilkes, C.

نظر حضرت امام (ره) در رابطه با نقش اخلاق در ثبات شخصیت افراد جامعه

امام خمینی (ره) در فرمایش‌های حکیمانه خویش به این مطلب تأکید داشتند که رعایت اخلاق و تهذیب نفس باعث می‌شود که انسان‌ها به ثبات شخصیتی و اجتماعی رسیده و نامالیقات زندگی را به بهترین نحو پشت سر گذارند. ایشان می‌فرماید:

«ایمان خودتان را قوی کنید. شما یک موجود مادی نیستید... شما دارای یک نفس قدوسی هستید. شما دارای یک نفس مجرد هستید که اگر چنانچه در خدمت اسلام، در خدمت خدای تبارک و تعالی باشید، آن نفس شما نفس طاهر، زکی و سعادت‌مند است، و هر جا که بشود و هر طور که بشود، آن نفس زکیه سعادت‌مند، سعادت‌مند است. در شکست‌ها سعادت‌مند، در مردن [هم] سعادت‌مند است... اگر تصفیه کردید، اگر نفس خودتان را تطهیر کردید، اگر اعمال خودتان را با قرآن کریم وفق دادید، با احکام اسلام وفق دادید، اگر اخلاق خودتان را اخلاق قرآن کردید، اگر نفس خودتان را تصفیه کردید، باک از هیچ چیز نداشته باشید» (همان، ج ۶، ص ۱۱-۳۱۰).

حضرت امام (ره) تربیت اخلاقی را مقدم بر دیگر تربیت‌ها و سازندگی‌ها می‌داند و حتی حرکت‌های انقلابی را ذی‌المقدمه اخلاق و این تربیت خاص به حساب می‌آورد: «علم و تهذیب نفس است که انسان را به مقام انسانیت می‌رساند»؛ «اگر علم بلا تهذیب باشد ضررش از جهل بدتر است»؛ «این "من" را اگر انسان زیر پا گذاشت و "او" شد، اصلاح می‌کند همه چیز را» (همان، ج ۱۸، ص ۴۰۵، ج ۱۵، ص ۵۰۵ و ج ۱۹، ص ۴۴۷). ایشان حتی تربیت اخلاقی را فوق هر گونه اقدامی به حساب می‌آورند و این تربیت را مقدم بر هر کاری می‌دانند: «اگر انسان خباثت را از نهادش بیرون نکند، هر چه درس بخواند و تحصیل نماید، نه تنها فایده‌ای بر آن مترتب نمی‌شود بلکه ضررها دارد» (جهاد اکبر، ص ۱۸)؛ «کسب فضایل و مکارم انسانی و موازین آدمیت از تکالیف بسیار مشکل و بزرگی است که بر دوش شما است» (همان، ص ۱۹)؛ «اگر اخلاص و قصد قربت نباشد این علوم هیچ فایده‌ای ندارد» (همان)؛ «این اصطلاحات خشک اگر بدون تقوی و تهذیب نفس باشد هر چه بیشتر در ذهن انباشته گردد کبر و نخوت در دایره نفس بیشتر توسعه می‌یابد» (کتاب جهاد اکبر، ص ۲۰). «آن‌طور نیست که تنها وظیفه شما [روحانیون] تحصیل مشتی الفاظ و مفاهیم باشد. بلکه حفظ اسلام و احکام اسلام است که به شما سپرده شده و شما امین وحی الهی هستید و باید در ضمن تحصیل علم مشغول تهذیب نفس هم باشید» (صحیفه امام، ج ۲، ص ۴۱۱).

ایشان در جای دیگری خطاب به معلمان و فرهنگیان می‌فرمایند: «شما خودتان را تهذیب کنید و بچه‌هایتان را برای آتیه. شما کشور لازم دارید برای بچه‌های خودتان و اسلام برای بچه‌های خودتان» (همان، ج ۷، ص ۴۶۳). «معنویات، اخلاق، تهذیب نفس. اسلام برای تهذیب انسان آمده است؛ برای انسان‌سازی آمده است. همه مکتب‌های توحیدی برای انسان‌سازی آمده‌اند» (همان، ج ۷، ص ۵۳۱).

ایشان در یکی از مکتوبات عرفانی خود از انسان به عنوان مسافری یاد می‌کند که مقصد او خداوند متعال است و در این سلوک الهی باید هوای نفس را کنار گذارد و تنها با قدم خدا و رسول حرکت کند. ایشان می‌فرماید:

«همت تو باید در همه حرکات و سکنتات و اندیشه و فکرت در توجه به خداوند متعال و ملکوت او باشد؛ چرا که به سوی خدای متعال مسافری و ممکن نیست در این سفر با قدم نفس راه پیمودن. پس چاره‌ای نیست جز آنکه با قدم خدا و رسول سفر کنی که مهاجرت از سرای نفس با گام‌های آن نتوان. پس تا هنگامی که با قدم نفس ره می‌سپاری، هنوز از دیار نفس خارج نشده و به سفر نپرداخته‌ای، در حالی که می‌دانی که مسافری غریبی» (همان، ج ۱، ص ۱۰-۱۱). بنابراین حضرت امام (ره) تزکیه نفس و زیر پا گذاشتن هوای نفس را رمز سعادت‌مندی و کمال انسان‌ها می‌دانند. از دید حضرت امام (ره) انسان موجودی است که با تعلیم و تربیت رشد می‌کند و تحصیل علم توأم با تهذیب نفس و اخلاق، انسان را به مقام انسانیت می‌رساند، انسان ساخته شده جامعه را می‌سازد و به ثبات می‌رساند.

نظر حضرت امام (ره) درباره نقش اخلاق در ثبات جامعه

امام خمینی (ره) اصل وجود اسلام را برای ساختن انسان‌ها و سعادت جامعه انسانی می‌داند و می‌فرماید: «اساساً اسلام برای سازندگی آمده است و نظر اسلام به ساختن انسان است. جهاد برای سازندگی سازندگی انسان خودش را، مقدم بر همه جهادهاست. ... شما جوان‌ها از حالا باید شروع کنید به این جهاد. نگذارید که قوای جوانی از دستتان برود... انسان تا قوای جوانی‌اش هست و تا روح لطیف جوانی هست و تا ریشه‌های فساد در او کم است، می‌تواند اصلاح کند خودش را. لکن اگر چنانچه ریشه‌های فساد در انسان ریشه‌اش قوی شد، ملکه انسان شد فسادها، آن وقت است که امکان ندارد... از همین سنین شما باید شروع بشود به ساختن افرادی که بعدها یک مملکت، یک کشور را ممکن است نجات بدهد. اگر چنانچه شما ساختید خودتان را و فضایل انسانی را در خودتان ریشه‌دار کردید، آن وقت در همه مراحل پیروز هستید؛ مملکت‌تان را می‌توانید نجات بدهید. این‌ها که مملکت ما را به تباهی کشیدند برای این بود که ساختمان خودشان فاسد بود؛ خودشان یک اخلاق فاسد داشتند، یک عقاید فاسد داشتند، یک اعمال فاسد [داشتند]. اگر چنانچه خودشان را ساخته بودند به ملت خیانت نمی‌کردند، به اسلام خیانت نمی‌کردند» (همان، ج ۸، ص ۳۰۰ و ۳۰۱).

از نظر حضرت امام (ره) هر چیزی که انسانیت انسان را تباه می‌کند و او را از هستی حقیقی ساقط می‌نماید، در اخلاق اسلامی طرد شده است. ایشان می‌فرماید:

«اسلام با هر چیزی که انسان را به پوچی و از خود بیگانه شدن می‌کشاند، مبارزه می‌کند. شرب‌خواری و میگساری در اسلام ممنوع است. فیلم‌های منحرف‌کننده از اخلاق متعالی انسانی، ممنوع است» (همان، ج ۴، ص ۴۱۴). چرا که این ناهنجاری‌های اخلاقی تنها زندگی یک فرد را تهدید نمی‌کند بلکه جامعه را در معرض انحراف قرار می‌دهد. در واقع رعایت اخلاق نه تنها سعادت فردی انسان‌ها را تضمین می‌کند بلکه باعث

استمرار و بقای جوامع انسانی نیز می‌شود. ایشان در ادامه مدعیان تمدن و تجدد را مذمت کرده و درباره آن‌ها می‌فرماید:

«بپرهیز و برحذر باش... از این اشباح مدعی تمدن و تجدد که آنان ستوری رمیده و گرگ‌هایی درنده و شیاطینی انسان‌نما هستند که از حیوان گمراه‌تر و از شیطان پست‌ترند، و قسم به جان حقیقت که میان آنان و تمدن آن‌چنان فاصله دوری است که اگر به شرق روند، تمدن به غرب گریزد و چون به غرب روی آورند، تمدن به شرق برود، و همانند تو که از شیر می‌گریزی تمدن از ایشان در فرار است، که ضرر ایشان بر بنی‌آدم از آدم‌خوارگان بیش است». (همان، ج ۱، ص ۱۱-۱۲)

نظر حضرت امام (ره) درباره نقش انبیا در پرورش انسان‌های مذهب

از نظر حضرت امام (ره) انسان‌ها چون معادن گوناگون‌اند و انبیا علیهم‌السلام کشف‌کننده گنج درون آن‌ها هستند و از میان انسان‌ها راهیان کوی معرفت نفس بیش از دیگران می‌توانند به این گنجینه‌ها دست یابند. ایشان می‌فرماید: «در نهاد هر انسان کان گرانهای علوم آرمیده است که مأموریت انبیا علیهم‌السلام برای کندوکاو همان گنجینه‌های در درون است: "و یشروا لهم دفائن العقول" (نهج البلاغه، خطبه اول ص ۳۸)». امام (ره) کسانی را که اهل معرفت و تهذیب نفس هستند مستعدتر از دیگران برای شکوفایی استعدادهای روحی و معنویشان می‌داند و می‌فرماید: «راهیان کوی معرفت نفس، بیش از دیگران آیین دینه‌یابی دل را از صاحب‌دلان «غیب» و «شهود» فرا می‌گیرند» (آوای توحید، فصل یازدهم، ص ۷۱).

و در فراز دیگری از فرمایش‌های خود به این مطلب اشاره می‌کنند که تربیت انسان‌ها توسط انبیا علیهم‌السلام همه جانبه است: «همه پیغمبرها که تشریف آوردند، برای تربیت این بشر به همه ابعادش، غیر انبیا نمی‌توانند به همه ابعاد تربیت بکنند. اگر چنانچه تربیت مرد صالحی هم باشد، یک اشخاص صالحی هم باشند، آن قدری که می‌توانند تربیت کنند، تربیت برای همین زندگی دنیاست» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۱-۳۲).

روش‌های تربیتی حضرت امام (ره) برای ساختن انسان‌ها و جامعه

امام خمینی (ره) به عنوان مربی تربیت الهی در زمینه تعلیم و تربیت و کسب فضایل اخلاقی دارای نظام خاص تربیتی است که برگرفته از اسلام عزیز می‌باشد؛ به گونه‌ای که اعمال این نظام، می‌تواند انسان را در سیر الی الله به دقیق‌ترین وجهی یاری نماید و همچنین در رفع نیازهای تربیتی جوامع مؤثر افتد.

حضرت امام خمینی (ره) از روش‌های متعددی چون امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت، تلقین و تکرار، دعا، محبت و رحمت، تقویت ایمان قلبی برای ترک گناه، اصلاح خود قبل از اصلاح دیگران، تعریف از خود جهت هدایت دیگران، تعلیم از دشمن جهت کشف عیوب خود، توصیه و سفارش، تفکر، مشارطه، مراقبه و محاسبه، ضبط خیال و روش الگویی «معرفی امامان و رفتار آنها به عنوان الگو و اسوه» استفاده می‌کردند (شرح چهل حدیث، امام خمینی (ره)، ص ۹، ۱۰، ۱۲۶، ۱۸۹، ۱۹۷، ۲۸۸، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۴۵، ۳۵۹، ۴۵۲، ۴۷۸، ۵۶۲ و...).

نقش و وظایف نهادهای تربیتی در پرورش اخلاق برای ثبات جامعه از دیدگاه حضرت امام (ره)

حضرت امام (ره) با این نگرش که دستورهای اسلامی مبتنی بر تعالیم انسانی و اخلاقی است و می‌تواند باعث ثبات، بقا و دوام جامعه شود به نهادهایی که نقش اساسی در تربیت و اخلاق جامعه و فرد دارند توصیه‌هایی فرمودند که در ذیل به بخشی از آنها اشاره می‌گردد.

۱- وظایف حاکمان دینی از نظر حضرت امام (ره)

حضرت امام (ره) یکی از رموز قیام علیه طغیان را وجود رهبر قاطع و سازش‌ناپذیر می‌دانند؛ ولی رهبری را شایسته چنین مقامی می‌دانند که خودش مطیع دستورات دین و متخلق به اخلاق الهی باشد. می‌فرماید:

گرچه هر امتی با داشتن رهبر قاطع و سازش‌ناپذیر از توفیق قیام علیه طغیان بهره‌مند است، لیکن ایستادگی آن رهبر قاطع نیز مرهون دستورهای دینی است؛ یعنی متن دین فریاد مقاومت علیه جهل و جور برمی‌آورد، [و چنین رهبری] قهراً در تمام مسائل خود باید حق بوده و مصون از نادانی و نیرنگ و نابرابری و .. باشد» (آوای توحید، فصل سیزدهم، ص ۹۱).

امام (ره) در رابطه با نقش یک حاکم مذهب در اصلاح و ثبات جامعه‌اش می‌فرماید:

«اگر یک انسان، یک شاه، یک رئیس مملکت، مذهب و صحیح باشد، آن‌هایی که اطرافش هستند همه صحیح خواهند شد؛ و آن‌ها هم سرایت می‌کند صحت عملشان، به پایین‌ترها. یک وقت می‌بینید که اگر بیست سال یک حاکم عادل در بین مردم باشد، یک مملکت عادل پیدا می‌شود. این‌که ما فریاد می‌زنیم که جمهوری اسلامی، برای این است که اسلام فرد مذهب درست می‌کند، قرآن کتاب آدم‌سازی است، پیغمبرها آمدند آدم‌ها را درست کنند، کاری دیگر جز این ندارند... اگر یک حکومت صحیح در یک جایی باشد، مردم چون توجه به او دارند، آن‌ها هم صحیح می‌شوند» (صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۸۳).

بنابراین از نظر حضرت امام (ره) حاکمان دینی باید خود، افراد مذهب‌ی باشند.

۲- وظایف مادران و پدران از نظر حضرت امام (ره)

حضرت امام (ره) نقش مادران را در تربیت انسان‌ها و ایجاد جامعه صالح بسیار مؤثر دانسته و ابتدا تأکید بر مذهب بودن و طهارت و پاکی خود مادران می‌کند و می‌فرماید:

«شما خانم‌ها شرف مادری دارید، که در این شرف از مردها جلو هستید؛ و مسئولیت تربیت بچه در دامن خودتان دارید. اول مدرسه‌ای که بچه دارد، دامن مادر است. مادر خوب، بچه خوب تربیت می‌کند؛ و خدای نخواست، اگر مادر منحرف باشد، بچه از همان توی دامن مادر، منحرف بیرون می‌آید» (همان، ص ۲۸۳).

«این دامن اگر یک دامن طاهر پاکیزه مذهب باشد، بچه از همین اول که دارد رشد می‌کند، با آن اخلاق صحیح و با آن تهذیب نفس و با آن عمل خوب رشد می‌کند. بچه وقتی در دامن مادرش هست، می‌بیند مادر اخلاق خوش دارد، اعمال صحیح دارد، گفتار خوش دارد، این بچه از همان جا اعمالش و گفتارش به تقلید از

مادر - که از همه تقلیدها بالاتر است - و به تزییق مادر- که از همه تزییق‌ها مؤثرتر است - تربیت می‌شود» (همان).

در مرحله بعد حضرت امام (ره) تربیت انسان‌های مهذب را به مادران سفارش می‌کند و این‌که متوجه باشند که مسئول افعال و اعمال فرزندان‌شان هستند و تأثیر آن‌ها در سعادت یا انحراف جامعه را نادیده نگیرند. ایشان می‌فرماید:

«شما این مسئولیت بزرگ را دارید که باید بچه‌های خودتان را که نوزاد هستند و نفوسشان... تربیت را زود قبول می‌کند، خوب و بد را زود قبول می‌کند، شما از اول که این بچه‌ها در دامن شما بزرگ می‌شوند، مسئول افعال و اعمال آن‌ها هم شما هستید. همان طوری که اگر یک بچه خوب تربیت کنید ممکن است سعادت یک ملت را همان یک بچه تأمین کند، اگر یک بچه بد هم - خدای نخواست - در دامن شما بزرگ بشود، ممکن است که یک فساد در جامعه پیدا بشود. گمان نکنید که یک بچه است، یک بچه گاهی وقت‌ها در جامعه، وقتی که وارد شد، در رأس جامعه واقع می‌شود، و محتمل است که بچه یک فقیر، یک وقت در رأس جامعه واقع بشود. اگر این بچه‌ای که شما تربیت کردید یک تربیت صحیح باشد و آن وقت آن بچه در رأس جامعه واقع بشود، یک ملت را سعادت‌مند می‌کند؛ و آن شرفش مال شماست... در مادری‌تان باید بچه‌ها را تهذیب کنید؛ در معلمی‌تان هم باید تهذیب کنید، یک افراد صحیح تحویل جامعه بدهید، یک جامعه را صحیح کنید. و اگر خدای نخواست عکس این معنا باشد، و زور آن‌ها هم به عهده شما می‌آید. همان طوری که هر کار خوبی که این‌ها بکنند - چون شما مبدأ این کار خوب بودید - برای شما هم خوبی دارد، اجر و ثواب دارد، اگر خدای نخواست یک قشر فاسدی شما تحویل جامعه بدهید، آن‌ها برونند فسادکاری بکنند، این دودش به چشم شما هم می‌رود» (همان، ص ۲۸۳-۲۸۶).

حضرت امام (ره) در پاره‌ای از بیانات خود علاوه بر مادران بر نقش پدران و همه اعضای جامعه در تربیت انسان‌های صالح تأکید کرده و می‌فرماید:

«مسئولیت تربیت جوانان مسئولیت کمی نیست. تمام ملت باید معلم باشند، معلم فرزندان خود. اسلام تمام افرادش معلم باید باشند، و تمام افرادش متعلم. بانوان هم باید معلم باشند برای فرزندان خود... پدران باید معلم باشند از برای فرزندان خود. خانواده شما باید مدرسه باشد، تعلیم احکام اسلام، تهذیب اخلاق نونهالان. شما باید نونهالان مهذب تحویل معلمان بدهید و معلمان باید آن‌ها را بیشتر تهذیب کنند» (همان، ص ۱۶۲).

۳- وظایف مدارس، دانشگاهیان و حوزویان از نظر حضرت امام (ره)

از آن‌جا که فرزندان بعد از دامن مادر تحت تربیت معلمین درمی‌آیند، حضرت امام (ره) درباره مسئولیت آن‌ها می‌فرماید: «معلمان خیلی مقام بزرگ دارند و خیلی مسئولیت بزرگ. اگر معلمان ما کوتاهی کنند در تعلیم، مسئول هستند. معلمین هستند که می‌توانند مملکت را حفظ کنند، استقلال مملکت را. جوان‌های ما، آن‌هایی که مقدرات مملکت به دست آن‌ها خواهد بود، زیر دست معلمین باید تربیت بشوند؛ اگر تربیت صالح شدند مملکت صالح به دست ما می‌افتد و اگر - خدای نخواست - تربیت‌های غیر الهی شد، مملکت از دست می‌رود» (همان، ص ۱۶۲-۱۶۳).

تربیت انسان‌ها در مرحله بعد بر عهده دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه است، به تعبیر حضرت امام (ره) این «دو دانشگاه» اگر خودشان صالح باشند و انسان‌های صالح تربیت کنند باعث سعادت جامعه می‌شوند؛ در غیر این صورت جامعه را منحرف نموده و به انحطاط می‌کشاند. ایشان در این رابطه می‌فرمایند:

«روحانیون با دانشگاهی یک مسیر دارند و مسئولیت این دو طایفه از همه طوایف دیگر بیشتر است؛ چنانچه شغلشان شریف‌تر است. برای این‌که با شغل دانشگاهی و روحانی اگر چنانچه به شرایط عمل بشود، انسان درست می‌شود. این است که این شغل، شغل انبیا بوده است... در این دانشگاه‌هاست که مقدرات کشور، چیزهایی که باید در کشور درست بشود، منشأ آن این دو دانشگاه است» (همان، ص ۴۶۷).

ایشان علم تنها را مفید ندانسته بلکه آن را بی‌فایده و یا حتی مضر می‌دانند، مگر این‌که به همراه آن تهذیب نفس و متخلق شدن به اخلاق الهی باشد. می‌فرماید:

«اگر گمان کنید که، یا ما گمان کنیم که، علم منشأ سعادت است ولو هرچه باشد، این یک اشتباهی است؛ بلکه گاهی علم منشأ بسیاری از شقاوت‌هاست... اگر دانشگاه فقط دنبال این باشد که فرزندان ایران را با معلومات بار بیاورد، معلومات را ... روی هم بریزد، این برای سعادت ملت ما فایده ندارد، یا ضرر دارد. یک فرد دانشگاهی که انحراف پیدا نکند غیر از یک فرد بازاری است؛ غیر از یک فرد کشاورز است. یک فرد روحانی که انحراف پیدا کند غیر از یک فرد بازاری و کارگر است. کارگر و بازاری، کشاورز و امثال این‌ها، چنانچه یک انحرافی داشته باشند، انحراف شخصی برای خودش است؛ لکن انحراف اساتید دانشگاه انحراف خودش تنها نیست، انحراف یک گروه است. چه گروهی؟ آن گروهی که می‌خواهند مملکت را اداره کنند؛ گاهی به انحراف یک کشور منجر می‌شود. انحراف یک روحانی انحراف خودش تنها نیست، انحراف یک ملت است. بنابراین این دو طایفه هستند که می‌توانند خدمت بکنند و کشور را نجات بدهند و ممکن است که مسیرشان مسیر حق نباشد و کشور را به تباهی بکشند» (همان، ص ۴۶۷-۴۶۸).

در ادامه حضرت امام (ره) دانشگاه و حوزه را موظف به تربیت انسان‌ها دانسته و می‌فرماید: «ما هر دو طایفه باید تربیت کنیم قشر جامعه را. ما احتیاج به آدم داریم. مملکت ما احتیاج دارد به این‌که انسان درست بشود در آن؛ مؤمن باشد. این آدمی که از زیر دستگاه شما یا از دستگاه ما بیرون می‌آید، اگر مؤمن باشد، دیگر نمی‌شود که زیر بار ظلم اجانب برود و یا تطمیع بتوانند بکنند او را... آنی که تطمیع می‌شود و تهدید [در] آن‌ها اثر می‌کند... که ایمان ندارند. آنی که تقوا و ایمان دارد نه تطمیع در او تأثیر می‌کند - که خیانت کند - برای این‌که ببرد یک چیزی، و نه تهدید در او اثر می‌کند؛ برای این‌که تهدیدها را با خلاف تکلیف کردن موازنه می‌کند، می‌گوید نباید بکنم. اگر شما و ما دست به هم بدهیم و یک جامعه توحیدی، به معنای این‌که همه معتقد به خدا، همه معتقد به این‌که یک وقتی کارها جزا دارد، همه معتقد و مؤمن به همه جهات، اگر ما و شما دست به هم بدهیم و جوان‌ها را مؤمن، متقی بار بیاوریم، مملکت‌مان تا آخر احیا می‌شود و اگر چنانچه ما کوتاهی بکنیم، این مسئولیت بزرگ را ما به دوش خودمان بکشیم و کوتاهی بکنیم در حق فرزندان این مملکت، فرض کنید چند روزی هم یک چیزی بشود و یک صورتی پیدا بکند، فردا بدتر از این است، به

دست این اشخاصی که اعتقاد ندارند؛ ایمان ندارند؛ توجه به مصالح کشور ندارند؛ فقط برای مصلحت خودش می‌خواهد کار بکند. [وضع بدتری پیش می‌آید]» (همان، ص ۴۷۱-۴۷۲).

۴- وظایف صدا و سیما از نظر حضرت امام (ره)

حضرت امام (ره) نقش صدا و سیما در تربیت و تهذیب انسان‌ها را بسیار مهم دانسته و در حکم فقهی خود می‌فرماید: «رادیو و تلویزیون دارای منافع حلال عقلایی و منافع حرام است از نظر اسلام و جایز است انتفاع بردن از آن‌ها به نحو حلال، از قبیل اخبار و مواعظ از رادیو و نشان دادن چیزهای حلال برای تعلیم و تربیت صحیح، یا نشان دادن کالاها و عجایب خلقت از بر و بحر از تلویزیون و اما چیزهای حرام از قبیل پخش غنا و موسیقی مطرب و اشاعه منکرات از قبیل پخش قوانین خلاف اسلام و مدح خائن و ظالم، و ترویج باطل، و ارائه چیزهایی که اخلاق جامعه را فاسد و عقاید آن‌ها را متزلزل می‌کند، حرام و معصیت است» (توضیح المسائل، بعضی مسائل متفرقه زمانه، ص ۴۶۹-۴۷۰).

ایشان در فراز دیگری از بیانات خود در مورد فیلم‌های سینمایی چنین نظر می‌دهند: «این‌که ما با سینما مخالفیم، با این نحو سینمایی که این‌ها دارند مخالفیم؛ نه با سینما اصلش [مخالف] باشیم... اگر اخلاقی باشد، اگر آزادی باشد، اگر برای تربیت جوان‌های ما باشد، خوب این هم یک راه تربیت است، این هم مثل یک معلم‌خانه، مثل مدرسه می‌ماند» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۴-۳۵).

حضرت امام (ره) در زمینه اخلاق بینش عمیقی داشتند و تنها نهادهای مذکور را به رعایت اخلاق و تهذیب نفس سفارش نمی‌کردند؛ بلکه در واقع مخاطب حضرت امام (ره) همه قشرهای مردم بودند و همه را به این امر دعوت می‌کردند؛ چرا که رعایت اخلاق را ضامن سعادت انسان‌ها و ثبات و عدم انحراف جامعه می‌دانستند. در تحقیق حاضر، سعی شد به گوشه‌ای از نصایح و بیانات ایشان در حد بضاعت اشاره شود، امید است که مقدمه‌ای باشد برای پژوهش‌های گسترده‌تری که اخلاقی شدن جامعه را در پی داشته باشد.

یافته‌ها

۱- اخلاق انسان‌هایی را می‌سازد که هم در عرصه‌های مختلف دارای اعتدال‌اند و هم جامعه را با رفتار و گفتارشان به سمت پرهیز از هرگونه افراط و تفریط هدایت می‌کنند.

۲- از دید امام (ره)، انسان موجودی است که با تعلیم و تربیت رشد می‌کند و تحصیل علم توأم با تهذیب نفس و اخلاق، انسان را به مقام انسانیت می‌رساند. رعایت اخلاق و تهذیب نفس باعث می‌شود که انسان‌ها به ثبات شخصیتی و اجتماعی برسند و انسان ساخته شده جامعه را می‌سازد و به ثبات می‌رساند.

۳- از آن‌جا که اخلاق سبب ثبات جامعه می‌گردد، امام (ره) نهادهای تأثیرگذار و شکل‌دهنده اخلاق جامعه (حاکمان دینی، پدران، مادران، معلمان و...) را بسیار به تهذیب نفس و پرورش انسان‌های مهذب توصیه می‌کردند و آن‌ها را از هرگونه افراط و تفریط و زیرپا گذاشتن حدود الهی نهی می‌کردند.

۴- حضرت امام خمینی (ره) از آن‌جا که انسان خودساخته و الهی و رهبر جامعه اسلامی بودند، از روش‌های متعددی برای ساختن انسان‌ها و جامعه استفاده می‌کردند؛ مانند: امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت، تلقین

و تکرار، دعا، محبت و رحمت، تقویت ایمان قلبی برای ترک گناه، اصلاح خود قبل از اصلاح دیگران، تعریف از خود جهت هدایت دیگران، تعلیم از دشمن جهت کشف عیوب خود، توصیه و سفارش به تفکر، مشارطه، مراقبه و محاسبه، ضبط خیال و روش الگویی.

۵- از نظر حضرت امام (ره) انسان‌ها چون معادن گوناگون‌اند و انبیا علیهم‌السلام، کشف‌کننده گنج درون آن‌ها هستند و کسانی که اهل معرفت و تهذیب نفس‌اند بیش از دیگران آیین دفینه‌یابی را از ولی‌نعمتان خود فرا می‌گیرند.

۶- از نظر حضرت امام (ره) قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت، انسان‌ها را به حق‌طلبی و ظلم‌ستیزی و شجاعت و ایثار دعوت و از تن‌پروری و ترس و خیانت نهی کرده است؛ صفاتی که متخلق شدن به آن‌ها جامعه را از تباهی نجات داده و به کمال و ثبات می‌رساند.

۷- از نظر حضرت امام (ره) اسلام مکتب انسان‌ساز است و ضربه‌هایی که کشور ما در طول تاریخ متحمل آن شده، از جانب کسانی بوده که معتقد به اسلام و متخلق به اخلاق الهی نبوده‌اند.

۸- از نظر حضرت امام (ره) انسان‌ها باید در سنین جوانی به تهذیب نفس و مبارزه با هوا و هوس پردازند تا در آینده که مسئولیت‌های اجتماعی به آن‌ها واگذار می‌شود، بتوانند، مملکتشان را نجات دهند و خیانت نکنند.

نتیجه و جمع بندی

با توجه به بررسی‌های انجام شده به این نتیجه می‌رسیم که اخلاق در ثبات جامعه نقش به‌سزایی دارد و حضرت امام (ره) که انسانی متخلق به اخلاق الهی و دارای نظرات اخلاقی و اجتماعی ارزشمندی بودند در رهنمودهایشان به این مسئله تأکید فراوان داشته و اقشار مختلف اجتماع به خصوص نهادهایی که وظیفه تربیت انسان‌ها را برعهده دارند، به تهذیب نفس و تربیت اخلاقی جامعه سفارش می‌کنند؛ چرا که رعایت اخلاق دینی و موازین شرعی، باعث شکل‌گیری جامعه براساس مبانی الهی و انسانی شده و ثبات و پایداری جامعه را به دنبال خواهد داشت. لذا بر ما لازم است بار دیگر مروری بر اندیشه‌های تابناک امام خمینی (ره) داشته و نقش اخلاق را در ثبات و تعالی جامعه جدی بگیریم و برای تربیت انسان‌ها بر اساس ارزش‌های اسلامی برنامه‌ریزی دقیق و هدفمندی داشته باشیم.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات مشرقین، قم، چاپ سوم ۱۳۷۹.
- عبدالباقی، محمد فؤاد، ۱۳۸۳، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، انتشارات حر، قم، چاپ دوم.
- امام خمینی (ره)، روح‌الله، ۱۳۸۷، آوای توحید (نامه امام به گورباچف)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ هشتم.
- امام خمینی (ره)، روح‌الله، توضیح المسائل.
- امام خمینی (ره)، روح‌الله، ۱۳۸۳، شرح چهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ بیست و نهم.
- دانیل بیس و فرد پلاگ، ۱۳۸۵، انسان شناسی فرهنگی، مترجم: محسن ثلاثی، چاپ گلرنگ یکتا، چاپ سوم.
- صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، (۱۳۸۵)، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- علاقه‌بند، علی، ۱۳۸۴، جامعه شناسی آموزش و پرورش، نشر روان، چاپ سی و ششم.
- عمید، حسن، ۱۳۶۳، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ اول.
- مجتبوی، جلال الدین، ۱۳۷۷، علم اخلاق اسلامی، ترجمه کتاب «جامع السعادات» تالیف مهدی نراقی، انتشارات حکمت، چاپ اول.

مقالات و پایان نامه‌ها

- جان بزرگی، مسعود، بررسی اثر بخشی روان درمانگری کوتاه مدت در «آموزش خود درمانگری» با و بدون جهت‌گیری مذهبی اسلامی بر مهار اضطراب و تنیدگی، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- جلیلوند، محمد امین و اژه‌ای، جواد، ۱۳۷۵، مطالعه رابطه نماز و اضطراب در دانش آموزان دبیرستان شهر تهران، مجموعه مقالات همایش نقش دین در بهداشت روانی، معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).

منابع لاتین

- Gilkes,c.(1980). The black church as a theraputic community: suggested areas for research in to the black religious experience.Jiurnal of the Interdenominational Theological Center.8,2944.
- Beit- Hallhami, B.& M. Argyle. (1997). The psychology of religious Behavior, belief and experience, London: Rout ledge.
- Stark. R. & S. Bainbridge (1996). Religion Deviance and social control.p. 5-7.
- Leaf,M.J.1972, Information and behavior in a sikh village: Social Organization Reconsidered. Berkeley and Los Angeles: University of California.